

(فصل بیست و سوم) چگونه رشد می کنیم

"ما باید در هر مورد در مسیح که سر است رشد کنیم." (افسیان 4:15 الف ترجمه انجیل شریف)
"در آنصورت، دیگر مانند اطفال نخواهیم بود." (افسیان 4:14 الف)

خدا از شما انتظار دارد که رشد کنید.
هدف پدر آسمانی شما برایتان اینست که خصوصیات عیسی مسیح را در خود رشد و توسعه دهید. متأسفانه، میلیونها مسیحی پیر می شوند ولی هرگز رشد نمی کنند. آنها در طفولیت روحانی همیشگی، باقی مانده اند و هنوز پوشک به تن دارند. دلیل آن اینست که آنها هیچوقت خیال رشد کردن نداشته اند.
رشد روحانی بصورت اتوماتیک اتفاق نمی افتد. این رشد سرسپردگی آگاهانه می خواهد. شما باید **بخواهید** که رشد کنید، **تصمیم بگیرید** که رشد کنید، برای رشد تلاش کنید و در رشد **ایستادگی و استقامت** داشته باشید.
شاگردسازی- یعنی روند شبیه مسیح شدن- همیشه با یک تصمیم شروع می شود. عیسی مسیح ما را دعوت می کند و ما در پاسخ می گوئیم: "عیسی به وی گفت: "از بی من بیا!" او برخاست و از بی وی روان شد." (متی 9:9)
وقتی اولین شاگردان تصمیم گرفتند مسیح را پیروی کنند، آنها تمام مفاهیم تصمیمشان را نمی دانستند بلکه به سادگی به دعوت عیسی مسیح، آری گفتند. این تمام آن چیزی است که برای شروع نیاز دارید: تصمیم بگیرید که یک شاگرد بشوید. هیچ چیز به اندازه تعهداتی که انتخاب می کنید، زندگی شما را شکل نمی بخشد. تعهدات شما می تواند یا شما را رشد دهند و یا نابود سازند ولی در هر دو صورت آنها معرف شما خواهند بود. وقتی بگوئید که به چه چیز متعهد هستید، من به شما خواهم گفت که پس از بیست سال چه خواهید شد. ما به هر چه که سرسپرده هستیم، به همان شکل نیز در می آئیم.

در همین نقطه تسلیم است که بسیاری از مردم هدف خدا را برای زندگیشان نمی دانند. بسیاری از مردم از تسلیم شدن به چیزی می ترسند و در جریان زندگی شناورند و عده ای دیگر نسبت به ارزشهای رقابتی تعهدات ناقصی دارند که آنها را به سوی یأس و پیش پا افتادگی سوق می دهد و برخی دیگر تعهد کامل به اهداف دنیوی، مانند ثروتمند یا مشهور شدن دارند، که به تخریب و ناامیدی ختم می شود. هر انتخابی، نتایج ابدی دارد، پس بهتر است حکیمانه انتخاب خود را انجام دهید. پطرس هشدار می دهد: "پس حال که نابودی اینها همه بدین صورت مقرر است، شما چگونه مردمانی باید باشید؟ بر شماست که زندگی مقدس و خدایسندانه ای داشته باشید." (دوم پطرس 3:11)

سهم خدا و سهم شما. مسیح گونه شدن، نتیجه انتخابهای مسیح گونه و وابستگی کامل به روح او برای کمک به شما برای عملی ساختن آن انتخابها می باشد. از همان لحظه ای که تصمیم می گیرید برای شبیه مسیح شدن جدی باشید، باید شروع به عمل کردن به طرق جدید کنید. شما شروع به حذف کردن برنامه های کهنه خواهید کرد و عاداتهای تازه ای را در خود رشد خواهید داد و آگاهانه، طرز فکرتان را عوض خواهید کرد. مطمئن باشید که روح القدس شما را با این تغییرات و دگرگونی ها کمک خواهد کرد. کتاب مقدس می فرماید: "نجات خود را ترسان و لرزان به عمل آورید؛ زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می سازد، در شما پدید می آورد." (فیلیپیان 2:12-13)

این آیه دو طرف رشد روحانی را نشان می دهد: **"به عمل آورید"** و **"پدید آورد"**. قسمت **"به عمل آورید"** مسئولیت شما است و قسمت **"پدید آوردن"** کار خدا است. رشد روحانی عملی است با همکاری بین شما و روح القدس. روح خدا نه فقط در ما بلکه **همراه** ما نیز کار می کند.

این آیه که خطاب به ایمانداران نوشته شده، در مورد این نیست که چگونه نجات یابیم، بلکه در مورد این است که چگونه رشد کنیم. این آیه به ما نمی گوید که برای نجات خود کار کنید، چون شما هیچگاه به آنچه عیسی مسیح قبلاً انجام داده نمی توانید چیزی بیافزایید. در طول "ورزش" بدنی، شما تمرین می کنید که بدنتان را رشد دهید نه اینکه بتوانید بدنی بدست آورید.

وقتی پازلی را "حل می کنید"، قبلاً تمام قطعات آن را در اختیار دارید و وظیفه شما فقط این است که آنها را در کنار هم قرار دهید. کشاورزان بر زمین کار می کنند و چیزی را که از قبل داشته اند، رشد و توسعه می دهند نه اینکه می خواهند زمین را بدست آورند. خدا به شما زندگی جدیدی را بخشیده است و اکنون مسئولیت شما است که آن را با **"ترس و لرز"** توسعه دهید و این به آن معناست که رشد روحانی خود را جدی بگیرید! وقتی رشد روحانی برای مردم مهم نیست، نشاندهنده این است که آنها مفاهیم ابدی آن را (چنانکه در فصل چهار و پنج دیدیم) درک نکرده اند.

عوض کردن هدایت گر خودکارتان. برای تغییر زندگیتان، باید طرز فکرتان را عوض کنید. پشت هر کاری که انجام می دهید تفکری مخفی شده است. هر رفتاری با اعتقاد و ایمانی تحریک و برانگیخته شده و هر عملی با گرایشی بوجود آمده است. خدا این را هزاران سال پیش، قبل از آنکه روانشناسان آن را دریابند مکشوف ساخته: "مواظب افکارت باش، زیرا زندگی انسان از افکارش شکل می گیرد." (امثال 4:23)

تصور کنید قایق تند رویی را در دریاچه ای با یک هدایت گر خودکار که برای رفتن به طرف شرق تنظیم شده، می رانید. اگر تصمیم بگیرید که مسیرتان را عوض کنید و به طرف غرب برانید، دو امکان برای شما وجود دارد تا مسیر قایق را تغییر دهید: یکی از راهها این است که فرمان را به دست بگیرید و به زور بازو آن را به مسیر برعکس آنچه هدایت گر خودکار تنظیم شده، برگردانید. شاید با قدرت ارادی محض بر هدایت گر غلبه کنید، اما مرتباً نیروی مقاومت کننده ای را احساس خواهید کرد. بالاخره بازوهایتان از فشار زیاد خسته خواهند شد و فرمان را به حال خود رها خواهید کرد و قایق دوباره راه خود را بطرف شرق یعنی به طرف مسیری که برنامه ریزی شده پیش خواهد گرفت. این آن چیزی است که وقتی شما سعی می کنید با قدرت اراده زندگیتان را عوض کنید، اتفاق می افتد: شما به خود می گوئید: "من خود را مجبور خواهم کرد که کمتر بخورم... بیشتر ورزش کنم... و از بی برنامهگی و دیر سر کار رفتن جلوگیری خواهم کرد." بلی، قدرت ارادی، می تواند تغییرات کوتاه مدتی بوجود آورد، اما فشار دائم درونی در شما ایجاد می کند، چون با علت اصلی برخورد نکرده اید. تغییری که انجام داده اید طبیعی به نظر نمی آید و بالاخره خسته می شوید و رژیم غذایی تان را ترک می کنید و ورزش کردن را رها می کنید و سریعاً به همان حالت کهنه و قدیمی خود بر می گردید.

راه بهتر و راحت تری وجود دارد: هدایت گر خود را عوض کنید، یعنی طرز فکرتان را. کتاب مقدس می فرماید: "بگذارید خدا افکار و طرز فکرتان را دگرگون کند تا به انسانی جدید تبدیل شوید." (رومان 12:2) اولین قدمی که در رشد روحانیتان باید بردارید این است که شروع کنید به عوض کردن طرز فکرتان. تغییر و تبدیل همیشه از فکرتان شروع می شود. شما طوری احساس خواهید کرد که فکر می کنید، و همانطور که احساس می کنید، بر طرز عملتان مؤثر است. پولس گفت: "فکر و ذهن شما باید روز بروز تغییر کند و بسوی کمال پیش رود." (افسیسیان 4:23) برای شبیه مسیح شدن می باید فکر مسیح را داشته باشید. عهدجدید این تغییر جهت فکری را، توبه می نامد که در زبان یونانی معنای اصلی آن "تغییر فکر" می باشد. شما زمانی توبه می کنید که طرز فکرتان را به نوعی که خدا فکر می کند تغییر می دهید، یعنی آنچه خدا در مورد شما، گناه، خودش، مردم دیگر، زندگی، آینده تان و هر چیز دیگر فکر می کند. در حقیقت شما دیدگاه و چشم انداز مسیح را بر خود می گیرید.

به ما دستور داده شده که: "همان طرز فکر را داشته باشید که مسیح عیسی داشت." (فیلیپیان 2:5) دو طرف برای انجام این کار وجود دارند. اولین نیمه این تغییر جهت فکری، متوقف کردن فکرهای **کودکانه** است، که افکار خودمحورانه و خودخواهانه است. کتاب مقدس می فرماید: "ای برادران، در برک و فهم کودک نباشید، بلکه در بدی کردن کودک باشید. برعکس، در برک و فهم بالغ باشید." (اول قرنتیان 14:20) کودکان، طبیعتاً خودخواه هستند. آنها فقط برای خود و نیازهای خود فکر می کنند. آنها دوست ندارند تقسیم کنند، بلکه فقط دوست دارند بگیرند و این طرز فکر کودکانه است. متأسفانه بسیاری از مردم از این طرز فکر فراتر رشد نمی کنند. کتاب مقدس می فرماید که تفکر خودخواهانه منشأ رفتار گناه آلود است: "آنانی که عنان زندگی خود را بدست طبیعت کهنه شان می دهند، چیزی جز ارضای شهوات خود نمی جویند." (رومان 8:5)

نیمه دوم فکر کردن مانند عیسی مسیح، این است که شروع به فکر **بالغانه** کردن کنیم که بر دیگران متمرکز است و نه بر خودتان. در این باب بزرگ محبت، پولس می گوید که فکر کردن در باره دیگران نشانه رشد است: "آنگاه که کودکی بیش نبودم، چون کودکان سخن می گفتم و چون کودکان می اندیشیدم و نیز چون کودکان استدلال می کردم. اما چون مرد شدم، رفتارهای کودکان را ترک گفتم." (اول قرنتیان 14:20)

امروزه بسیاری اینگونه نتیجه گیری می کنند که رشد روحانی با مقدار اطلاعات کتاب مقدسی و تعالیم اساسی ای که می دانیم اندازه گیری می شود. در حالیکه شناخت، یکی از واحدهای اندازه گیری رشد می باشد، اما تمام آن نیست. زندگی مسیحی خیلی بیشتر از اعتقادات و باورها است و شامل رفتار و شخصیت ما نیز می شود. اعمال ما باید به موازات ایمان ما پیش بروند و باورهای ما می باید با رفتارهای مسیح گونه پشتیبانی شوند. مسیحیت یک مذهب یا یک فلسفه نیست بلکه یک رابطه و طرز زندگی است. هسته این طرز زندگی، همانگونه که مسیح انجام داد، فکر کردن برای دیگران است و نه برای خود. کتاب مقدس می فرماید: "هر یک از ما باید همسایه خود را خشنود سازد، در آنچه برای او نیکو باشد و باعث بنایش شود. زیرا مسیح نیز در پی خشنودی خود نبود." (رومان 15:2 و 3/الف)

فکر کردن برای دیگران، قلب مسیح گونه بودن است و بهترین گواه رشد روحانی است. این نوع طرز فکر، غیرطبیعی، ضد فرهنگ، نادر و کمیاب و در ضمن مشکل است. خوشبختانه کمکی در دسترس ما است: "ولی ما نه روح این دنیا، بلکه روحی را یافته ایم که از خداست تا آنچه را خدا به ما عطا کرده است، بدانیم." (رومان 12:2) در چند فصل آینده به ابزاری که روح القدس از آنها استفاده می کند تا به ما کمک کند تا رشد کنیم نظر خواهیم افکند.

نکته مورد توجه: هیچوقت برای رشد کردن دیر نیست.

آیه حفظی: "با نوازشدن ذهن خود دگرگون شوید. آنگاه قادر به تشخیص خواست خدا خواهید بود؛ خواست نیکو، پسندیده

و کامل او." (رومیان 12:2ب)

سوالی که باید از خود بکنید: در چه جاهایی از زندگی ام احتیاج دارم از طرز فکر خود دست بکشم و چنانکه خدا فکر می کند، فکر کنم؟